



دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۳۲۰

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

مقاومت و فرش ایرانی

فرش، مظهر صبوری
ما است؛ صبوری
ملتی که هرگز تسلیم
نمی شود و هرگز به
بد، رضا نمی دهد.
فرش، فقط زیبایی
نیست، فلسفه مقاومت خاموش و چندهزار ساله یک
ملت است – همراه با زمزمهای ملایم، که خاموشی
را تعریف می کند.

نادر ابراهیمی / یک عاشقانه آرام
انتشارات روزبهان – صفحه ۱۶۱

خاطره تلخ صنعتگر ایرانی از قبل و بعد صادرات امیر کبیر

سال‌ها پس از سقوط امیر کبیر جمعی در باغ
چهل ستون اصفهان نشست‌ه بودند، ساتلی آمد و
پس از آنکه از هر یک چیزی گرفت اجازه خواست
که سر گذشت خود را نقل کند.

پس از کسب اجازه، چنین گفت: چندین سال
قبل، فرماندار اصفهان جمعی از استادان دواتگر را
احضار کرد و گفت: بهترین استاد را از میان خودتان
انتخاب کنید. تمام استادان با اتفاق من را انتخاب
کردند. فرماندار به من گفت: امیر کبیر شما را از
تهران خواسته؛ خارج سفر مرا داد و من با عجله
خود را به تهران رساندم و به حضور امیر کبیر رفتم.
امیر، سمآوری را که تازه از خارج آورده بودند به من
نشان داد و پرسید: می‌توانی چنین سمآوری بسازی؟
پس از اندکی فکر جواب دادم: آری!

گفت: این سماور را برادر بزر و از روی آن سمآوری
بساز و بیاور.

رفتم مثل همان سماور را در یکی از دکان‌های
سماورسازی که معرفی کرده بود، ساختم و به خدمت
امیر کبیر آوردم. کار من را پسندید و سوال کرد: این
سماور چند از کار درآمده است؟

جواب دادم: روی هم رفته ۱۵ ریال.

امیر با قیافه‌ای خوشحال و متبسم، به منشی
خود دستور داد که امتیاز انحصاری ساختن آن نوع
سماور را به مدت ۱۶ سال به نام من صادر کند و
قیمت هر سماور را ۲۵ ریال معلوم کرد و به من
فرمود: برگرد به اصفهان؛ به حاکم اصفهان دستور
می‌دهم وسایل کار شما را فراهم کند. به محض اینکه
به اصفهان رسیدم حاکم شهر مرا خواست و گفت:
برو کار گاهت را مرتب کن، هر چه مخارج آن بشود
مانند درواز نزد حاکم برده، حاکم با ارباب و تهیدید
به من گفت: امیر کبیر را در تهران گرفتارند و آن پول
را که به تو داده‌اند مال دولت است، آن را پس بده.
آن پول را من خرج کارگاه کرده بودم، مجبور شدم
تمام اموال زندگیم را فروختم و بالاخر ۳۰ تومان
کسر اورد و نتوانستم تهیه کنم. به خاطر همان ۳۰
تومان مرا به بازار آوردند و در انتظار مردم، آنقدر چوب
زدند تا بدنم ناقص شد و بینایی چشم خود را تقریباً
از دست دادم و پکلی از کار عاجز شدم.

زهرا صیامی / چرا صنعتی نشدیم؟
چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۹۰
صفحات ۸۸ و ۸۹

**به نقل از: عباس اقبسال آشتیانی، زندگینامه
میرزا تقی خان امیر کبیر، انتشارات نگاه، صفحه ۹۷**

یک معنای پنهان موزه‌ا

یکی از نظر گیرترین چیزهایی که بلافاصله پس
از ورود دانشجویان مسلمان به غرب توجه ایشان
را جلب می کند وجود موزه‌های عظیمی است که
اشیای هنری در آنها نگاهداری می شود و هر کدام در
حد خود بسیار دیدنی هستند. در زمانهای آن که همه
موراث بشری در حال انهدام است، بی شک موزه‌ها
ارزشمندند اما وجود این موزه‌ها در عین حال به
معنای آن است که آنچه در آنها نگهداری می شود
از بقیه جامعه و زندگی روزمره آدمیان جدا شده است
و هنر، دیگر جزو زندگی روزمره این مردم نیست.
جوامع سنتی‌ای که آن همه اشیای زیبای هنری
را، که امروز در موزه‌ها گرد آمده، تولید می کردند
خودشان موزه نداشتند، زیرا هنر هیچ‌گاه از زندگی
روزمره‌شان جدا نشده بود. هنر همانا زندگی بود و
زندگی همان‌هنر و به قول «آناندا کوماراسوامی» که از
بزرگ‌ترین صاحب‌نظران در زمینه هنر شرقی است،
هنرمند در جوامع سنتی انسان خاصی نبود، بلکه
هر یک از اعضای این جوامع به نوع خاصی هنرمند
بودند. در واقع، مهم‌ترین تمایز میان نقش هنر در
جامعه جدید غرب و نقشی که هنر در جامعه سنتی
اسلامی و یا، از این نقطه نظر خاص، در هر جامعه
سنتی دیگری داشته، همانا جدایی میان هنر و زندگی
یا میان خلق کردن و زیستن در جامعه نخست و
وحدت این ۲ در جامعه دیگر است.

سیدحسین نصر / جوان مسلمان و جهان متجدد
انتشارات طرح نو
صفحات ۳۱۷ و ۳۱۸

انتظار و ویژگی انسان

گفت: «پدر! خیلی وقت‌ها می‌بینم به دره نگاه
می‌کنید، انگار منتظر رسیدن کسی هستید».
جواب داد: «منتظر ماندن از خصوصیات بشر است.
آدم درستکار، با اعتماد منظر می‌ماند و نادرست،
با ترس».

ایتالو کالوینو / ویکنت دومین‌شده
پرویز شهدی – (چاپ ششم، نشر چشمه، ۱۳۸۹)
صفحه ۹۴

پیامبر اعظم (ص):

و ضو را کامل بگیر تا همچون ابر از صراط عبور کنی، با صدای
آشکار سلام کن تا خبر و برکت خاندان افروز شود و زیادت
صدقه پنهانی یده که این کار خشم پروردگار را فرو می‌نشاند

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

شانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۸ شماره: ۶۶۴۱۳۱۳۷
پایمرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام جم پرتز برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

تحلیل ضرورت‌های سیاست‌گذاری در تلویزیون‌های نوپدید

روایت ملی در رسانه

توجه به مختصات تاریخی، مذهبی
و اجتماعی خاص، نباید تصور
کرد که هر محتوای
اصطلاحاً پر بیننده‌ای
لزوماً مقبول و مشروع
است. اقتضائات
فرهنگ ایرانی –
اسلامی ما ایجاب
می‌کند محتواهای
تولید شده در
این پلتفرم‌ها
نه در سانسور
سراسری، بلکه
در گفت‌وگویی
مداوم با نهادهای
مرجع و ذی‌صلاح
فرهنگی شکل بگیرند. اگر در صداوسیما،

این وظیفه بر دوش معاونت سیما و نهادهای بالادستی
است. در فضای اینترنتی، شاید نیازمند شکل‌گیری «سازمان
تنظیم رسانه‌های تصویری نوین» باشیم که در تعامل با
وزارت فرهنگ، شورای عالی فضای مجازی و حتی مراکز
فرهنگی حوزه و دانشگاه، نقش «گولاتور» را ایفا کند
که هم مراقب سلامت فرهنگی محتواست و هم حامی تنوع
و رقابت درون‌زا.

در کنار این نکات بنیادین، باید بر یک محور حیاتی
دیگر نیز تأکید کرد: ورود جدی تلویزیون‌های اینترنتی
به حوزه پخش مسابقات ورزشی، بویژه فوتبال. فوتبال در
ایران و بسیاری از کشورهای جهان، صرفاً یک سرگرمی
نیست؛ یک تجربه فرهنگی جمعی است که می‌تواند
نقطه پیوند اقشار مختلف جامعه، طبقات متضاد، زبان‌ها و
لهجه‌ها و هویت‌های محلی باشد. در شرایطی که شبکه‌های
رسمی، به دلیل هزینه‌های بالا یا محدودیت‌های قراردادی،
نتوانسته‌اند پاسخگوی عطش فوتبال‌دوستان در پخش
کامل بازی‌ها یا تحلیل‌های حرفه‌ای پیرامون آن باشند،
ورود تلویزیون‌های اینترنتی می‌تواند نوعی «زادسازی»
رسانه‌ای در این حوزه تلقی شود. البته چنین امکانی
نیازمند سازوکار حقوقی دقیق است؛ نخست آنکه حق
پخش مسابقات باید از انحصار یک یا ۲ نهاد بیرون آید و
تبدیل هر عرصه‌ای رقابتی شود که در آن پلتفرم‌های مختلف
توانند در چارچوب مقررات، سهم خود را از بازار به دست
آورند. دوم آنکه زیرساخت‌های فنی – از سرورهای توزیع
گرفته تا ظرفیت پهنای باند – باید به گونه‌ای مدیریت
شود که پخش زنده اینترنتی از کیفیت و پایداری لازم
برخوردار باشد، در غیر این صورت تجربه مخاطب نه‌تنها
ارتقا نمی‌یابد، بلکه نوعی سرخوردگی نسبت به کل پروژه
ایجاد می‌کند. در این میان، بد نیست به تجربه جهانی
هم نگاه کنیم. در بسیاری از کشورها، شبکه‌های اینترنتی
خصوصی با نیمه‌خصوصی، به مرور با تکیه بر بازار رقابتی،
نه‌تنها برنامه‌های عامه‌پسند بلکه آثار فاخر فرهنگی نیز
تولید کرده‌اند. پلتفرم‌هایی چون Netflix، Arte یا حتی
Amazon Prime Video، توانسته‌اند برنامه‌هایی با
موضوعات حساس سیاسی، چالش‌های مهاجرت، بحران
اقلیت‌ها، نقد ساختارهای قدرت و پرداختن به تابوهای
اجتماعی را با کیفیتی بالا تولید کنند. رمز موفقیت این
پلتفرم‌ها، نه فقط آزادی عمل محتوایی، که وجود ساختار
نظارتی کارآمد و شفاف بوده است. چنین ساختاری
نه‌تنها اجازه نمی‌دهد تولیدات به ابتدال کشیده شوند،
بلکه با خلق فضاهایی نیمه‌خلاق، محتوای جسورانه را به
نقطه تلاقی کیفیت، بینش و مخاطب‌محوری می‌رساند.
این مدل، هرچند عیناً قابل تقلید در ایران نیست اما
الهام‌بخش طراحی بومی رگولاتوری برای تلویزیون‌های
اینترنتی ما است.

اما فراتر از ساختارها و مقررات، یک تلویزیون اینترنتی
زمانی موفق است که بتواند «روایت» خاص خود را بسازد.
این روایت، چیزی بیش از خشم‌های رسمی یا برنامه‌های
متفرق است. تلویزیون اینترنتی باید بداند که مأموریتش
چیست: آیا می‌خواهد حفره‌های رسانه ملی را پر کند؟
آیا می‌خواهد میزبان گفت‌وگوهای نو باشد؟ آیا می‌خواهد
روایتی از ایران معاصر عرضه کند که در آن صداهای مختلف
شنیده شوند؟ یا صرفاً یک بازار آزاد بی‌سیاست‌گذاری خواهد

ابتلای شدید ترامپ به شیذوفرنی

می‌تواند قدرت تنظیم‌گری بهتری نسبت به فاصله زیاد
«ذهنیت‌ها» و «عینیت‌ها» داشته باشد. بی‌دلیل نیست
که حتی بسیاری از سیاستمداران آمریکایی مانند مارکو
روبیو، تام کاتن، تد کروز، لیندزی گراهام و... هنوز قدرت
اختلال مبتلا هستند، حامل باورهای هستند که در
واقعیت ریشه ندارد و این موضوع می‌تواند به طرز عمیقی
عملکرد روزمره و روابط بین فردی آنها را مختل کند. به
عبارات بهتر، زمانی که این افراد با فاصله زیاد واقعیات
بیرونی و باورهای ذهنی خود مواجه می‌شوند، پیش از
پیش نسبت به ناتوانی خود در فهم موضوعات پیرامونی
احساس ضعف می‌کنند. یکی از اصلی‌ترین دلایل حضور
افرادی مانند «ایلن ماسک» و «ویتیگاف» در کنار ترامپ،
همین مساله است. رئیس‌جمهور آمریکا معتقد است یک
یک تاجر با نگاه معامله‌گرانه به مراتب نسبت به یک
سیاستمدار با خطوط قرمز و استراتژی‌های مشخص،

نزدیک خود نیز غیرقابل پیش‌بینی است. فردی که نه



مطالعات رفتارشناسی
مخاطب و داده‌کاوی‌های
مستمر برای بهینه‌سازی محتوای
خود بهره می‌برند. این امر در ایران نیز ضرورتی انکارناپذیر
است. ارتباط منسجم میان دانشگاه، نهادهای فرهنگی
و تولیدکنندگان رسانه‌ای در قالب شبکه‌های تخصصی
می‌تواند کیفیت برنامه‌ها را ارتقا داده و از تولیدات تکراری
و کلیشه‌ای جلوگیری کند. بدیهی است حضور مشاوران
فرهنگی مسلط بر اقتضائات بومی و درک درست از مختصات
جامعه ایرانی، می‌تواند به شبکه‌های اینترنتی کمک کند تا
هم از دام عوام‌زدگی بگریزند و هم در دام نخبگانی گرای
بی‌تأش گرفتار نشوند.

در کنار این ضرورت‌ها، باید به یک ظرفیت استراتژیک
دیگر نیز توجه کرد: امکان بهره‌گیری از شبکه‌های اینترنتی
برای توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
بسیاری از دولت‌ها در سال‌های اخیر، از تلویزیون‌های
اینترنتی به عنوان ابزاری برای معرفی فرهنگ، زبان، هنر
و روایت‌های سیاسی خود بهره‌برده‌اند. در این میان، ایران
نیز می‌تواند با طراحی برنامه‌هایی به زبان‌های مختلف
و با محوریت ظرفیت‌های تمدنی خود، از این شبکه‌ها
به‌منزله بازوی مکمل سیاست خارجی بهره بگیرد. گفتمان
انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی، اگر به‌درستی در
قالب‌های روایی جذاب و فراملی بازپردازی شود، قابلیت
رقابت جدی در میدان رسانه‌ای جهانی را دارد. این امر
مستلزم سرمایه‌گذاری، تربیت نیروی انسانی چندزبانه و
چندفرهنگی و نیز بهره‌گیری از فناوری‌های نوین پخش و
ترجمه همزمان است.

در نهایت باید پذیرفت بقای تلویزیون‌های اینترنتی وابسته
به مخاطب است؛ مخاطبی که نه صرفاً در پی سرگرمی، بلکه
در جست‌وجوی معنا، همذات‌پنداری و آگاهی فرهنگی سراغ
رسانه می‌آید. هر چقدر این شبکه‌ها بتوانند زبان نسل جدید
را بفهمند، به تنوع سبک‌های زندگی احترام بگذارند و در
عین حال به ارزش‌های بنیادین فرهنگ ایرانی – اسلامی
وفادار بمانند، به همان میزان از مشروعیت فرهنگی و پایداری
اقتصادی برخوردار خواهند شد. اکنون زمان آن فرا رسیده
است به جای تقلید کور از مدل‌های غربی یا راهمه بی‌پایه
اتخاذ بشوند؛ رویکردی که نه از اصول خود عقب بنشیند، در
فضای باز رسانه‌ای، رویکردی ترکیبی، نوآور و مسؤولانه
نسبت به تفاوت الگوهای ذهنی و رفتاری خود شود. در
نه در برابر تغییرات اجتماعی کور و منفعل باقی بماند. تنها
در این صورت است که تلویزیون اینترنتی می‌تواند نه‌تنها
یک ابزار رسانه‌ای نوظهور، بلکه یک نهاد فرهنگی مولد و
پیشران باشد.

بر اساس قدرت انعطاف‌پذیری، بلکه بر مبنای اختلالات
مزمنی که به آنها مبتلاست، هر لحظه پازل‌های ذهنی،
رفتاری و عملیاتی خود را بر هم می‌ریزد. فردی که
بسادگی دروغ می‌گوید تا مانع تمرکز افکار عمومی دنیا
نسبت به تفاوت الگوهای ذهنی و رفتاری خود شود. در
چنین شرایطی تکلیف کشورها و دولتمردانی که به هر نحو
مخاطب رفتارها و سیاست‌های ترامپ هستند مشخص
است. اعتماد به ثبات شخصیت سیاسی ترامپ بدترین
خطای راهبردی ممکن از سوی هر سیاستمدار یا دولتی
به شمار می‌آید. تغییرات ۱۸۰ درجه‌ای تصمیمات، رفتارها
و گفتارهای رئیس‌جمهور کنونی آمریکا در مقیاس و بستر
زمان، نسبت به سایر روسای جمهور این کشور بیشتر
نمود داشته و خواهد داشت و تضمینی نیز درباره کنترل
این بیمار ذهنی توسط نزدیک‌ترین همراهان وی وجود
ندارد.

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz

